

چکیده

مَثَل شهید، مَثَل شمع است که خدمتش از نوع سوخته شدن و فانی شدن و پرتو افکندن است، تا دیگران در این پرتو که به بهای نیستی او تمام شده، بنشینند و آسایش بیابند و کار خویش را انجام دهند، آری، شهدا شمع محفل بشریتند؛ سوختند و محفل بشریت را روشن کردند اصولاً شهادت، مرگ در راه ارزش‌ها بر مبنای یک جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص است. از طرف دیگر «شهادت‌طلبی دینی» - همانند خود دین - با اعتقاد به مسائل ماوراء الطبیعه عجین است. پس در تحلیل و تفسیر آن نیز باید به این نکته توجه کرد و نباید با شگفتی محض به تئوری‌های غربی، فقط به رویکرد علمی صرف اکتفا نمود چرا که شهادت‌طلبی، با توجه به این مطلب بیشتر قابل درک است. شهادت به کشته شدن در راه خدا اشاره دارد که در احادیث از آن به عنوان بالاترین نیکی و گرامی‌ترین مرگ یاد شده است. در آیات قرآن و روایات، برای شهادت، آثاری همچون زنده ماندن، برخورداری از حق شفاعت و آمرزش گناهان ذکر شده است.

کلیدواژه‌ها: شهید، شهادت، فرهنگ شهادت، فرهنگ اسلامی، هویت

1 - دلباطن^۲ حرمت تخصصی: «المراد بالمراد» sabra.tale@gmail.com

مقدمه

فداکاری و ازجان گذشتگی در راه خدا و دین، نهایت رستگاری انسان مؤمن است و آنان که جان خویش را بر سر دین الهی می‌نهند، هم به کامیابی ابدی می‌رسند و هم شهادتشان سرچشمه الهام و الگوی فداکاری برای دیگران است.

در دعای ماه مبارک رمضان، از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) نقل شده است که فرمودند: «به ما توفیق بده که در راه تو و به همراه ولی تو کشته شویم و به فیض عظمای شهادت برسیم.» در دعای افتتاح نیز آمده است: «وَقَاتِلَا فِي سَبِيلِكَ فَوْقَ لَنَا» و یا در دعای پس از زیارت جامعه ائمه المؤمنین می‌خوانیم: «خدایا! مرا سعید زنده بدار و شهید بمیران.»

انسان سالم، شیفته و عاشق زیبایی‌هاست، چرا که زیبایی دوستی با فطرت و خلقت او عجین است بنابراین، زیبایی‌های ظاهری، نوع اول هستند و نوع دوم زیبایی‌ها، زیبایی‌های روحی و معنوی هستند که جنبه‌ی والا تر و ظریف‌تری از زیبایی گرای است.

ایثار، از خود گذشتگی، شجاعت، شهادت‌طلبی در راه اهداف مقدس و... در این دسته قرار می‌گیرند. اکنون سؤال اینجاست که چرا شهادت‌طلبی زیباست؟ پاسخ آن است که مگر می‌شود آزادی، عدالت، معرفت، حقیقت، حکمت، عشق، محبت، دین، عبادت، تقوا و... زیبا باشد اما فدا شدن و جان‌بازی در راه آن‌ها زیبا نباشد؟

خوب بودن، خوب زیستن و خوب مردن، هر سه هنر است. اما اوج هنر آن است که انسان خوب باشد، زیبا زندگی کند و زیبا بمیرد. درباره‌ی شهادت‌طلبی، این مطلب بیشتر قابل درک است. اصولاً شهادت، مرگ در راه ارزش‌ها بر مبنای یک جهان‌بینی و ایدئولوژی خاص است. از طرف دیگر «شهادت‌طلبی دینی» - همانند خود دین - با اعتقاد به مسائل ماوراء الطبیعه عجین است. پس در تحلیل و تفسیر آن نیز باید به این نکته توجه کرد و نباید با شگفتی محض به تئوری‌های غربی، فقط به رویکرد علمی صرف اکتفا نمود.

شهادت و عرفان

از والاترین و زلال‌ترین حالات جان آدمی، عشق به کمال مطلق، معبود حقیقی و خدای متعال است. شهدا، این عشق را در بالاترین درجه‌اش داشتند. نحوه‌ی حیات و شهادتشان نیز گویای آن است. صاحبان چنین عشق‌هایی، برای خود، تعینی نمی‌بینند و پیوسته در انتظار لحظه‌ی رهایی از قفس تن، زندان خاک و پیوستن به خداوندند. چنین عشقی «فناء فی الله» را هم در پی دارد و این فنا و جذبه، سبب می‌شود که جز ذاتِ احدی و جز رضای خالق، چیزی را به حساب نیاورده و از هرچه که مانع این وصال گردد، بگذرد. گذشتن از همه چیز برای خدا، یکی از جلوه‌های همین عشق عرفانی به خداست. فدا کردن جسم برای تعالی جان، جلوه‌ی دیگر آن است. (محدثی، پیام‌های عاشورا، ص ۱۴۹)

این مشرب عرفانی و عشق به خدا، در جبهه‌های دفاع مقدس در ایران نیز تجلی داشت و رزمندگان عارف و صاحب‌دل، ره صدساله را یک شبه می‌رفتند و به تعبیر حضرت امام خمینی (رحمه‌الله) که شهادت را در ذائقه‌ی اولیای الهی شیرین‌تر از عسل می‌دانست و معتقد بود که از این شراب طهور معرفت و عشق، «جوانان در جبهه‌ها جرعه‌ای از آن را نوشیده و به وجد آمده‌اند.» (مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله)، صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۲۰۳) و شهدا را سبک بالان عاشق شهادت می‌دانست که «بر توسن شرف و عزت به معراج خون تاخته‌اند و در پیشگاه عظمت حق و مقام جمع الجمع، به شهود و حضور رسیده‌اند.» (همان، ج ۲۰، ص ۵۹)

چشم‌انداز عرفانی به عاشورا، شهادت‌طلبی سالار شهیدان را مظهر عشق کامل و تسلیم محض در برابر خداوند و فناء فی الله می‌داند؛ لذا، شهادت امام حسین (علیه السلام) و یارانش یک حادثه‌ی خونین و تراژدی غم‌بار نبود، بلکه انتخاب بهترین و زیباترین نوع مردن عاشق در طریق وصل معشوق و تجلی بالاترین مرحله‌ی عشق یار، در راه دلدار بود.

بنابراین، امام حسین (علیه السلام) در پی آن بود که به بالاترین درجه‌ی تکاملی که خداوند برای او در نظر گرفته بود، دست یابد. (شاعری، جامعه‌شناسی شهادت‌طلبی و انگیزه‌های شهیدان، ص ۱۱۰)

برای انسان‌های موحد، چیزی بالاتر از آن نیست که نعمت وجود را در راه رضای معبود بکار گیرند و در راه خدا فدا شوند. آمادگی برای فدا شدن، نشانه‌ی صدق انسان در راه محبت خداست. اولیای خدا، در برابر پروردگار برای خود، هیچ شأنی قائل نیستند و اگر دین الهی نیازمند مال، جان و حتی آبروی آنان باشد، از نثار آن مضایقه نمی‌کنند. (بهشتی، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، ص ۳۳-۳۴)

کوشش شهید، آن است که از حُبّ دنیا برهد و به محبت خدا برسد و در این راه، همه چیز را نثار محبوب حقیقی کند و با نیل به مقصد، از مقصود خود چیزی جز خود او را نخواهد. (جوادی آملی، سروش هدایت (مجموعه پیام‌های حضرت جوادی آملی)، ص ۱۶۴)

از انگیزه‌های شهادت‌طلبی، پالایش روح، آمرزش گناهان، نظر به وجه الله، پیوستن به لقاءالله، تقرب الی الله، سیر و سلوک معنوی و طی طریق در آخرین و والاترین مراحل عرفانی و فنای فی الله و اثبات عشق حقیقی به معشوق است. (مردانی نوکنده، مهدویت و شهادت، ص ۱۲۲)

در فرازی از مناجات شهید دکتر چمران آمده است که:

«ما مبارزه می‌کنیم که در قربانگاه عشق، عالی‌ترین تجلی پرستش را نشان بدهیم و تکامل یابیم... چه لذت شدیدی است لذت فنا شدن در معبود و لذت وصال معبود. همه‌ی ملکول‌های وجودم به فدا شدن نیازمندند من محتاج فدا شدنم. در خود لذتی احساس می‌کنم لذتی شدید برای فدا شدن که هیچ لذتی بزرگ‌تر از فداکاری و ایثار نیست.... به مرحله‌ی هفتم رسیدم عالم فنا و... فنای فی الله من چیزی نمی‌خواهم چیزی نمی‌طلبم... من عشقم من فداکاریم من ایثارم من فانی در خدایم.» (همان، ص ۱۳۶-۱۳۷)

حاکمیت شناخت بصیرت بر همه‌ی امور

نخستین و مهم‌ترین گام در حفظ و اعتلای ارزش‌ها، شناخت و بصیرت نسبت به آنهاست. کسی که شهد شیرین حقایق و ارزش‌ها را بجشد، در هر شرایطی به آن‌ها پایبند است و به هیچ قیمتی آن‌ها را نمی‌فروشد. چنان که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می‌فرماید:

«ما شَكَّتُ فِي الْحَقِّ مَذْأَرِيَّتَهُ (نهج البلاغه، خطبه ۴)؛ از وقتی که حق را شناختم، در آن تردید نکرده‌ام.»

چنین شناختی سبب می‌شود که مردان الهی و مؤمنان حقیقی، به جای پرداختن به امور دنیوی غیر لازم، به تحکیم مبانی فکری، ترویج عقاید صحیح و اشاعه‌ی فرهنگ انسانی پردازند و همه‌ی کارهای خود را رنگ خدایی زنند که زیباترین رنگ است و در تمام فعالیت‌های شبانه‌روزی خویش، قرب الهی را جستجو کنند و در پی کسب ارزش‌هایی باشند که هرگز نابود و کم‌بها نشود. آنان با چنین انگیزه و اقدامی، در واقع بر ارزش خود می‌افزایند، بهای خویش را بالا می‌برند، برتر از هر ارزشی وجود ارزشمند و گوهر گران‌بهای این رادمردان خودساخته و خداجوست. (الهامی نیا، اخلاق بسیج و آداب معاشرت، ج ۲، ص ۷۲-۷۳)

آیات و روایات شریف اسلامی، با روش‌های گوناگون، ضمن تبیین ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، به طور مکرر و قاطع، از مخاطبان خود می‌خواهند که در حد توان و در تمام زندگی، خود را ملتزم به ارزش‌ها بدانند و روز به روز بر خوبی‌های خود بیفزایند و تلاش کنند که از ضد ارزش‌ها فاصله بگیرند و آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی نسبت به خود و دیگران به حد صفر برسانند.

قرآن مجید می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» (توبه: ۱۱۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوای الهی پیشه کنید و با راستگویان باشید.»

تقوای الهی، در ردیف ارزش‌های ردیف اول است که زیر ساخت بسیاری از فضایل دیگر به شمار می‌رود و اکسیر گران‌بهای است که مس وجود آدمی را طلای ناب می‌کند. شخص با تقوا، در واقع کلید و رمز راهیابی به مرکز خوبی‌ها و ارزش‌ها را به دست آورده است و به همین دلیل «تقوا»، معیار ارزیابی و ارزش‌گذاری مؤمنان محسوب می‌شود. (الهامی نیا، اخلاق بسیج و آداب معاشرت، ص ۶۹-۷۰) و بنا به فرموده‌ی قرآن که:

«إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَىٰكُمْ» (حجرات: ۱۳)؛ همانا باارزش‌ترین شما پیش خداوند، باتقواترین شماست.»

با گام‌های اولیه‌ای که انسان در جهت ارزش‌های عالی برمی‌دارد، در واقع مقدمات لازم برای آشنایی با خود را فراهم می‌آورد، زیرا که کلیه‌ی ارزش‌های اخلاقی و تمایلات عالی از قبیل (میل به فداکاری، نیکی کردن، عدل و انصاف، صدق و حقیقت‌جویی و...) همگی، ناشی از همان خود واقعی، مراتب و درجات آن می‌باشد. بنابراین،

نتیجه گیری

نتیجه می گیریم که شهادت اوج تعالی انسان است. در فرهنگ اسلامی و ایرانی ارزشمندترین و گران بهاترین حرکت، شهادت است. شهید کسی است که با نثار جان خود، درخت اسلام را آبیاری کرده و فساد را ریشه کن می کند و شهادت مهم ترین عامل در شکل دهی متعالی به هویت جوان ایرانی به شمار می رود. شهیدان، مقاومت و پویایی جامعه را تضمین می نمایند و به جامعه ظرفیت روحی می بخشند. فرهنگ شهادت، عبارت است از تمامی آثار باقی مانده از شهدا درباره شهید و شهادت، اعم از آثار غیرمادی (معنوی) مثل باورها، انگیزه ها، اعتقادات، اهداف، خلیات، رفتارها، آگاهی ها، آداب و اعمالی که موجب وصول انسان به عالی ترین و راقی ترین درجه ی کمال یعنی انتخاب آگاهانه مرگ در راه خدا می گردد و نیز آثار مادی که عبارت است از تربت پاک شهید، وسایل شخصی، لباس شهدا، اسامی خیابان ها، مراسم مربوط به شهدا، موزه ی شهدا، آثار مکتوب، وصیت نامه ها و کلاً هر چیزی که قابل مشاهده و لمس بوده و یادآوری شهید باشد.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

* نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، قم: بی‌نا، ۱۳۸۲.

۱- ازغندی، علی اکبر، پیام‌ایثار (مجموعه مقالات برگزیده‌ی همایش تبیین نقش معلمان

در ترویج فرهنگ دفاع مقدس)، مشهد: کنگره سرداران شهید و سنبله، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۲- امینی، ابراهیم، خودسازی (تزکیه و تهذیب نفس)، قم: انتشارات شفق، چاپ اول، ۱۳۷۲.

۳- انصاریان، حسین، زیبایی‌های اخلاق، قم: نشر دارالعرفان، چاپ دوم، ۱۳۸۴.

۴- الهامی‌نیا، علی اصغر، اخلاق بسیج و آداب معاشرت، ج ۲، قم: معاونت آموزش‌های عقیدتی

سیاسی نمایندگی ولی فقیه در نیروی انتظامی، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

۵- بحرانی، مرتضی، علی‌خانی، علی اکبر، شهید و شهادت در ادعیه و زیارات، تهران: نشر

شاهد، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۶- بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس استان خراسان (معاونت تحقیقات)، حماسه و خطابه،

مشهد: کنگره سرداران شهید و ۳۳ هزار شهید استان خراسان، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۷- به کوشش گروه مقالات کمیته‌ی تهیه و تدوین، مجموعه مقالات (کنگره‌ی بزرگداشت

سرداران شهید و بیست و سه هزار شهید استان اصفهان)، قم: لشکر ۱۴ حسین، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۸- بهشتی، ابوالفضل، فلسفه و عوامل جاودانگی نهضت عاشورا، قم: نشر بوستان کتاب، چاپ

دوم، ۱۳۸۵.

۹- جوادی آملی، عبدالله، رَحِیقِ مَخْتوم (شرح حکمت متعالیه)، ج ۴، قم: نشر اسراء، چاپ

دوم، ۱۳۸۲.

۱۰- _____، سروش هدایت (مجموعه پیام‌های حضرت جوادی آملی)، ج ۲،

قم: نشر اسراء، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۱- ذبیح، علی رضا، عرفان سرخ (تأثیر فرهنگ شهادت‌طلبی در حفظ ارزش‌های

دینی)، قم: نشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱۲- سادات، محمدعلی، اخلاق اسلامی، تهران: نشر لیلی، چاپ بیست و سوم، ۱۳۷۹.

۱۳- شاعری، محمدحسین، جامعه‌شناسی شهادت‌طلبی و انگیزه‌های شهیدان، تهران: نشر

شاهد، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۴- صحتی سردرودی، محمد، شهید فاتح در آئینه‌ی اندیشه، قم: نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۱۵- عبدالمحمدی، حسین، زمینه‌های قیام امام حسین (علیه السلام)، قم: انتشارات منبع، چاپ

اول، ۱۳۷۹.

۱۶- قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه حجت الاسلام موسوی دامغانی، قم: نشر الهادی، چاپ

اول، ۱۳۷۷.

۱۷- محدثی، جواد، **پیام‌های عاشورا**، قم: نشر اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.

۱۸- مردانی نوکنده، محمدحسین، **مهدویت و شهادت**، تهران: نشرشاهد، چاپ اول، ۱۳۸۴.

۱۹- مرکز تحقیقات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، **ارتش مکتبی**، ج ۵، بی جا: انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، چاپ اول، بی تا.

۲۰- مطهری، مرتضی، **تکامل اجتماعی انسان**، تهران: نشر صدرا، چاپ نهم، ۱۳۷۴.

۲۱- معاونت پژوهش و برنامه‌ریزی مدیریت و مطالعات و پژوهش‌ها، **بیست و پنج گفتار پیرامون انقلاب اسلامی**، تهران: نشر هماهنگ، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۲۲- معاونت پژوهشی و تنظیم نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله) با همکاری بنیاد شهید انقلاب اسلامی، **ایثار و شهادت در مکتب امام خمینی (رحمه‌الله)**، تهران: مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله)، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۲۳- منصوری لاریجانی، اسماعیل، **زمزم عشق (شرح مفاهیم عرفانی در نیایش‌های شهید چمران)**، قم: انتشارات خادم الرضا (علیه السلام)، چاپ سوم، ۱۳۸۳.

۲۴- مولایی، میثم، **حیات شهید**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹.

۲۵- مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رحمه‌الله)، **صحیفه‌ی امام**، ج ۲، تهران: نشر مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام (رحمه‌الله)، بی تا.

۲۶- _____، **صحیفه‌ی امام**، ج ۳، تهران: نشر مؤسسه‌ی تنظیم و نشر آثار امام (رحمه‌الله)، بی تا.

۳۷- نمایندگی ولی فقیه در نیروی مقاومت بسیج، **مربی بسیجی (ویژه نامه‌ی مربیان عقیدتی)**

بی جا: معاونت آموزش‌های عقیدتی - سیاسی، ۱۳۸۲.

۳۸- واثقی راد، محمدحسین، **مصلح بیدار**، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا، چاپ دوم، ۱۳۸۰.

۳۹- ولوی، علی محمد، **شاهدان شهادت (پژوهشی در دیدگاه قرآن و سیره‌ی نظری و**

عملی معصومین درباره‌ی بازماندگان شهدا در ایلام)، تهران: نشر شاهد، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۴۰- هاشمی نجف آبادی، رضا، **فرهنگ شهادت، نشر واحد فرهنگی بنیاد شهید انقلاب**

اسلامی، تهران: بی نا، ۱۳۶۲.

۴۱- یاقوتی، حسین، **پیام پرواز**، قم: نشر رازبان، چاپ اول، ۱۳۸۴.